

تاریخ عالمان و فقیهان فارس

(دوره های صفویه، افشاریه و قاجاریه)

خدیجه بوتراپی

در قرن دهم هجری دوره پادشاهان صفوی، عالمان و فقیهان بزرگی مانند مجلسی، محقق ثانی، شیخ حرّ عاملی و شیخ بهایی به ظهور رسیده‌اند. در این دوره سلاطین صفویه بیش تر قوای خود را صرف ترویج شیعه و تشویق عالمانی کردند که از اصول و قوانین این مذهب اطلاعات کامل داشتند. در این دوره، عالمانی را می‌شناسیم که در استان فارس جامع معقول و منقول بوده و در بیش تر دانش‌ها آثاری از خود باز نهاده‌اند؛ مانند غیاث‌الدین منصور دشتکی، صدرالدین شیرازی، ملا حبیب‌الله شیرازی معروف به میرزا جان و عالمان بسیاری در استان فارس، از نام‌آوران این قرن هستند. دوره افشاریه، دوره رکود علم و ضعف دانش در فارس است و اندیشه‌وران نامی این برهه از زمان، میرزا نصیر جهرمی شیرازی، میرزا کمال‌الدین حسین فسایی شیرازی و مولانا محمد مسیح فدشکویی است. در دوره قاجاریه، استان فارس از وجود فقیهان و دانشمندانی چون سلطان‌العلماء بستکی، سیدجعفر بن ابی اسحاق موسوی دارابی، میرزای شیرازی، مرجع تقلید نامی آن عصر بهره‌مند بود. در این دوره، شاهان قاجار بیش تر درباره انجام بعضی تصمیم‌ها از عالمان و مجتهدان بزرگ مصلحت می‌جستند. اندیشه‌وران و فقیهان شیعه، نقش مهمی در زندگی اجتماعی - سیاسی کشور ایفا می‌کردند.

شرح حال عالمان استان فارس در این سه دوره (صفویه، افشاریه و قاجاریه) در این مقاله به تفصیل آمده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

شیرازی، علی بن محمد (د ۹۲۲ ق/ ۱۵۱۶ م): وی از علمای شافعی مذهب است که در حلب متولد شد. او اصلاً شیرازی بود. تألیفاتش عبارتند از: حواشی بر الکافی، شرح تهذیب المنطق و الکلام تفتازانی، شرح بر فصوص الحکم ابن عربی. (کحاله، ج ۷، ص ۲۰۴).

• **قوام‌الدین یوسف شیرازی**، قوام‌الدین یوسف بن حسن الحسینی الشیرازی (د ۹۲۲ ق/ ۱۵۱۶ م): او مشهور به قاضی بغداد، از قاضیان حنفی مذهب بغداد بود. وی در مدرسه سلطانی شهر بروسه تدریس می‌کرد. (بغدادی، ج ۲، ص ۵۶۳). آثار بسیاری از وی در دست است که عبارتند از: احکام السلاطین، تسدید التقائد فی شرح تجرید العقائد، تعلیقه بر شرح المواقف ایجی، تفسیر آیه یارض ابلعی... حاشیه بر رد کتاب انوار التنزیل بیضاوی، حاشیه بر تلویح تفتازانی رد بر اسئله قره سیدی، رساله فی اغلاط الحسه، شرح نهج البلاغه، کفایه الراوی و السامع و هدایه الرائی و السامع، نصاب الملوک.

• **ایجی**، قطب‌الدین عیسی بن محمد بن عبدالله بن محمد الصفوری ایجی (۹۰۰-۹۵۰ ق/ ۱۴۹۴ م): وی، عالم، ادیب، مفسر و شافعی مذهب بود و کتاب‌های ذیل را به او نسبت داده‌اند: حاشیه بر شرح تفسیر الفاتحه قاضی، حاشیه بر شرح جمع الجوامع، حاشیه بر شرح کافی جامی، شرح الغره سید شریف جرجانی، شرح الفوائد الغنائیه، شرح کافی ابن حاجب. (بغدادی، ج ۱، ص ۸۱۰)

• **شیرازی افکاری**، مهدی بن عبدالله شیرازی افکاری، عالم، دانشمند و مدرس علوم در قسطنطنیه (د ۹۵۶ ق/ ۱۵۴۹ م): او اهل سنت و حنفی مذهب بود. این تألیفات از او است: تعلیقه بر تجرید خواجه طوسی، حاشیه بر کشف، حاشیه بر انوار التنزیل قاضی بیضاوی. (بغدادی، ج ۲، ص ۴۸۴)

• **میر مرتضی شیرازی**، فرزند محمد شیرازی (د ۹۴۰ ق/ ۱۵۳۳ م): او در علم نحو و منطق مهارت بسیار داشته، و شروحن بر کتاب‌های گوناگون در زمینه نحو و منطق نگاشته است که از آن جمله، حاشیه بر لوامع الاسرار، شرح مطالع الانوار فی المنطق و الحکمه و شرح بر الکافی ابن حاجب در نحو است. (بغدادی، ج ۲، ص ۴۲۴)

• **علی شیرازی**، علی بن محمد شیرازی مشهور به علاء‌الدین یا علائی (د ۹۴۵ ق/ ۱۵۳۸ م): وی از عالمان و مفسران قرن دهم است. حاجی خلیفه در هدیه العارفین وی را حنفی مسلک دانسته و تألیفات ذیل را به وی نسبت داده است. اسئله القرآن و اجوبتها، دستور الوزراء، و مصباح التعدیل فی کشف انوار التنزیل که حاشیه‌ای بر تفسیر بیضاوی است. (حاجی خلیفه، ج ۱، ص ۷۴۴)

• **میر سید رفیع‌الدین شیرازی**، (د ۹۵۴ ق/ ۱۵۴۷ م): او فقیه، محدث و عالم بود و در شیراز زاده شد. نزد ملا جلال علامه دوانی علوم معقول را فرا گرفت و علم حدیث را در محضر شمس‌الدین محمد بن عبدالرحمان سخاوی مصری آموخت. وی به دهلی رفت و مورد توجه سلطان سکندر لودی قرار گرفت؛ سپس به آگره عزیمت کرد و همان جا درگذشت. (رحمان علی صاحب، ص ۶۵)

• **میرزا مخدوم شریفی شیرازی**، معین‌الدین میرزا مخدوم بن سید شریف حسینی جرجانی شیرازی (د ۹۵۵ ق/ ۱۵۴۸ م): او، مفسر، محدث، واعظ، شاعر و از نوادگان سید شریف جرجانی، دانشمند معروف قرن هشتم هجری بود. مادرش، دختر میرزا شرف قاضی جهان سیفی، وزیر قزوینی، و پدر و جدش، وزیر شاه اسماعیل اول و شاه طهماسب اول و از مفاخر شیعه بودند؛ در حالی که خودش به تسنن گرایش داشت. پدر، عم و جدش و همچنین سید مرتضی علوم عقلی را به وی آموختند. ریاضیات را نزد محیی‌الدین ابوالخیر فارسی و علم حدیث و منقول را نزد شیخ عبدالرحمان بن زیاد زبیدی و ابن حجر مکی فرا گرفت. (قزوینی، ج ۳، ص ۲۸۸) مهم‌ترین اثرش نواقض علی الروافض است. (حاجی خلیفه، ج ۲، ص ۶۱۷)

• **علی دانیال شهاب‌الدین علی دانیال فسوی شیرازی جهامی** (۱۶۰ ق/ ۱۶۰۰ م): او محدث و صوفی قرن دهم هجری، و صاحب اثر جواهر الارواح و زواهر الابراج فی بعض الاحادیث الصحیحه النبویه المرویه عن الائمه است. (کحاله، ج ۷، ص ۸۹)

• **شریفی شیرازی**، میر مرتضی شریفی شیرازی (د ۹۷۴ ق): وی عالم شیعه و دارای طبع شعر بود و در اشعارش به شریفی تخلص می‌کرد. در علوم ریاضی، حکمت، منطق و کلام نیز از نوابغ روزگار خویش بود. وی علم حدیث را در مکه نزد

ابن حجر مکی آموخت و از آن جا به دکن، سپس به اکبرآباد رفت و در دربار جلال‌الدین محمد اکبر شاه صاحب شهرت شد و بر بیش تر عالمان زمان خویش برتری یافت. میر مرتضی در هندوستان به تدریس علوم حکمی مشغول شد. پس از وفاتش، ابتدا او را کنار قبر امیر خسرو دهلوی به خاک سپردند؛ اما بعد پیکرش را به مشهد مقدس انتقال دادند و در آن جا به خاک سپردند. (صاحب، ص ۲۲۳) کتاب منظومه الکافیة از آثار او است. (طهرانی، ج ۲۴، ص ۲۲۲)

• **عبدالغفور لاری**، مولانا رضی الدین عبدالغفور (د ۹۱۲ق): او از صوفیان نقشبندی و عالم به علوم زمان خویش، و از نوادگان سعدبن عباد انصاری و اهل لار بود. عبدالغفور سال‌ها در هرات از محضر جامی کسب فیض کرد و مورد توجه بسیار استاد قرار گرفت. (نایب‌الصدر، ج ۳، ص ۱۱۳) از آثار او حاشیه بر شرحی است که جامی بر کافیة ابن صاحب نوشته و نیز شرحی است که بر نفحات الانس جامی نگاشته است. (کحاله، ج ۵، ص ۲۶۹)

• **محمد لاری**، محمدبن فخر بن علی لاری: وی از عالمان اوایل قرن دهم قمری و ملقب به ملا کمال، و یگانه اثر او، شرح بر کتاب زوراء ملا جلال دوانی است که در آن به شرح اقوال اهل تصوف پرداخته. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه ملی تهران موجود است. (فهرست کتابخانه ملی، انوار، ج ۸، ص ۳۱۶).

• **مولانا مصلح‌الدین لاری**، مصلح‌الدین محمدبن صلاح‌الدین بن جلال‌الدین بن کمال‌الدین بن محمد لاری انصاری سعدی عبادی شافعی (د ۹۷۹ق): وی متبحر در فقه، اصول، حکمت، ریاضیات و هیأت بود و او در لار به دنیا آمد. تحصیلات خود را در شیراز آغاز کرد و از شاگردان بنام امیر غیاث‌الدین منصور بود و در محضر استاد میر کمال‌الدین حسین لاری به کسب دانش پرداخت. (آدمیت، ج ۴، ص ۵۳-۴۵) مصلح‌الدین در هندوستان به مقام صدارت همایون دست یافت و پس از مرگ همایون به استانبول رفت و با ابوالسعود افندی مناظره کرد؛ سپس در بکر به تعلیم فرزندان اسکندر پاشا پرداخت و مورد احترام وی قرار گرفت.

مصلح‌الدین در شهر آمد "چشم از جهان فرو بست. آثار بسیاری از وی در دست است که عبارتند از: *مراه الادوار فی مرقاه الاخبار*، حاشیه بر شرح علامه دوانی بر *کتاب تهذیب المنطق* تفتازانی، حاشیه بر شرح میر بر هدایه اثیرالدین ابهری، شرح بر تذکره *خواجه نصیرالدین طوسی*، حاشیه بر شرح *طوابع الانوار بیضاوی*، حاشیه بر شرح جامی بر کتاب *کافیة ابن حاجب*، حاشیه بر شرح عضدی بر کتاب *مواقف جرجانی*، حاشیه بر شرح *الهدایه* میبدی، شرحی بر *هیأت ملا علی قوشچی*، شرح بر *انوار الفقه امام شافعی*، حاشیه بر *طوابع الانوار قاضی بیضاوی*، تفسیر *سوره انا انزلناه*، تاریخ آل عثمان، حاشیه بر *مطوک*، و حاشیه بر *مواقف عضدالدین ایچی*. (اقتداری، ص ۱۹۳-۲۰۰)

• **امیر فتح‌الله شیرازی** (د ۹۹۷ق): او استاد در حکمت نظری و عملی و علوم متداول عصر خویش بود. زمان تولدش مشخص نیست، اما در شیراز به دنیا آمد و به کسب علوم پرداخت. امیر فتح‌الله از محضر استادانی چون کمال‌الدین شروانی، علامه جمال‌الدین محمود و مولانا کرد، بهره برد؛ سپس به سبب شهرتش در طب، به دعوت عادلشاه بیجاپوری عازم دکن شد و پس از فوت عادلشاه نزد اکبر شاه به فتح‌پور فراخوانده شد. پس از مدتی لقب *آمین‌الملکی* به وی عطا شد و به صدارت راجه

تودرمل در آمد. از جمله شاگردان حکیم فتح‌الله شیرازی می‌توان میر تقی‌الدین محمد و ملا رضا همدانی شیرازی و همچنین حکیم علی گیلانی را نام برد. وی نخستین کسی است که مردم هند را با افکار و عقاید عالمان متأخر ایران آشنا کرد. تألیفات او عبارتند از: رسالهٔ عجایب کشمیر، خلاصه المنهج، منهاج الصادقین، تاریخ الفی که حالات سال دوم آن به قلم امیر است، تاریخ جدید (بخشی از تاریخ الاهی اکبرشاهی)، ترجمهٔ کلیات قانون بوعلی سینا (آدمیت، ص ۵۹ و ۶۰)

• **شمس‌الدین محمد خضری** (منطقه‌ای در جنوب و شرق شیراز) شمس‌الدین محمد بن احمد خضری (د ۹۴۲ یا ۹۵۷ق): او حکیم و دانشمند در ریاضیات، هیأت، نجوم و آشنا به زبان تازی بود (مدرس، ج ۳، ص ۴۲۶) وی در شیراز، از محضر مولانا جلال‌الدین دوانی و صدرالحکما میر صدرالدین محمد دشتکی شیرازی کسب فیض کرد (نایب‌الصدر، ج ۳، ص ۱۳۳) شاگردان بسیاری در زمینه حکمت، ریاضی و هیأت از جمله شاه طاهر دکنی (د ۹۵۲ق) تربیت کرد. مکان فوت او را کاشان دانسته‌اند. (مدرس، ج ۳، ص ۴۲۶) کتاب‌های تکمله شرح التذکره که تعلیقه‌ای بر شرح تذکره نصیریّه خواجه طوسی است، منتهی الادراک فی مدرک الافلاک، شرح بر اوائل شرح تجرید، حیره الفضلا و عبره الفضلا (یا حل ما لا ینحل)، سواد العین فی حکمه العین، رساله فی النهیات، رساله فی اثبات واجب، رساله در اصول احکام جفر، رساله در تفسیر آیه‌الکرسی یا (رساله فی بیان لطائف آیه‌الکرسی)، رساله فی تحقیق حقیقه الروایه و رفع الشبهه الوارد، مقاله فی وحدت الوجود، حاشیه شرح المخلص، اسفار اربعه، تفسیر فاتحه‌الکتاب، چهل حدیث صحیح، اثبات الهیولی، تعلیقه بر تحریر اقلیدس خواجه طوسی، حاشیه بر امور عامه تجرید خواجه طوسی، رساله در علم رمل (اشراق، ص ۲۹۰-۲۹۲) از تألیفات او است.

• **میر نظام‌الدین احمد دشتکی**، میر نظام‌الدین احمد بن ابراهیم بن سلام‌الله بن عمادالدین مسعود بن صدرالدین محمد بن غیاث‌الدین منصور شیرازی (د ۱۰۱۵ق): ملقب به سلطان‌الحکما و سید‌العلما و جزء سادات دشتک و از عالمان و حکیمان مشهور قرن یازدهم قمری بود. پدرش امیر ابراهیم بن امیر سلام‌الله از دانشمندان بنام عصر خویش و مادرش از نوادگان شاه اسماعیل صفوی بود. از او فرزندی به نام صدرالدین علی بر جای مانده که پس از

فوت پدر به دربار سلاطین مغول راه یافت. (دهخدا، لغت‌نامه) و سه اثری که از وی باقی مانده، عبارتند از: رساله اثبات واجب الوجود، رسالهٔ ذومعیه در اثبات احاطه حق بر ممکنات، و رساله در توحید که احدیت واجب‌الوجود مورد بحث قرار گرفته است. (انوار، ج ۷، ص ۱۴۶)

قرن ۱۰ و ۱۱

• **علیتقی کمره‌ای شیرازی**، عزالدین علی نقی بن شیخ ابوالعلا محمد هاشم طغانی کمره‌ای فراهانی شیرازی (د ۱۰۶۰ق): او فقیه، قاضی، متکلم، شاعر، زاهد و محدث قرن ۱۰ و ۱۱ قمری است و از شاگردان سید بحرانی کبیر و شیخ عبدالعلی منشی و از قاضیان فارس در زمان حکومت امام قلی خان و شاه صفی بود؛ سپس به اصفهان دعوت و شیخ‌الاسلام آن جا شد. (دهخدا، ج ۸، ص ۵۹۲) از جمله تألیفات او، رساله فی حدوث عالم، رساله فی ادعیه، رساله فی حرمة التثن و شرب دخانه، رساله فی حرمة صلاه الجمعة، رساله مناسک حج و عمره جواب نوح افندی شیخ مفتی بلاد روم فی مسأله امامیه، المقاصد العالیّه فی الحکمه الیمانیّه است. (کحاله، ج ۷، ص ۲۵۵)

• **شیخ عبدالعلی حویزی شیرازی**، عبدالعلی بن جمعه عروی حویزی شیرازی: او مفسر قرن یازدهم قمری، و یگانه اثرش نور الثقلین در ۴ مجلد است که در آن از اخبار و مآثورات خاندان عصمت و طهارت استفاده کرده است. نسخه‌ای از این کتاب در کتابخانه آستان قدس رضوی وجود دارد. (فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۴)

• **امیر شرف‌الدین شولستانی** (د ۱۰۵۰ق): او عالم، فقیه، متکلم، عابد و زاهد بود و در قصبه فهلان از توابع ممسنی به دنیا آمد و از شاگردان میرزا محمد استرآبادی به شمار می‌رفت و در نجف درگذشت. در فارسنامه ناصری، ذکری از تألیفاتش به میان نیامده است. (فسائی، ص ۳۰۳)

• **میرزا علیرضا تجلی**، میرزا علیرضا بن کمال‌الدین حسین اردکانی شیرازی (د ۱۰۸۵ یا ۱۰۸۸ق): وی شاعر، مدرس و متخصص به تجلی. میرزا علیرضا از کدخدازادگان اردکان فارس بود و در اصفهان به کسب دانش پرداخت؛ سپس به هندوستان رفت و پس از بازگشت، در مدرسه والده به تدریس پرداخت. در سال ۱۰۷۲ قمری، شاه عباس دوم محلی را در اردکان به میرزا

علیرضا بخشید. او در سال ۱۰۸۵ در شیراز چشم از جهان فرو بست. (صفا، ج ۵، ص ۲۱۷) تألیفات ذیل از او است:

تفسیر قرآن، سفینه النجاه، مثنوی معراج الجنان، حاشیه بر حاشیه ملا عبداللہ یزدی، رساله در منع نماز جمعه در غیبت امام، دیوان اشعار شامل قصائد و غزلیات. (صفا، همان)
چند بیت از اشعار او:

باد زلفش سوخت خون در بیکرم
بوی سنبل می دهد خاکسترم
گردش چشمش چو دور روزگار
صد هزاران فتنه اش در هر کنار
زلف و کاکل سنبل گلزار طور
ساق و ساعد ماهی دریای نور

• **محمدطاهر شیرازی نجفی قمی**، محمدطاهر بن محمدحسین شیرازی نجفی قمی (د ۱۰۹۸ یا ۱۱۰۰ ق): وی فقیه، متکلم، محقق و محدث بود و به علت سکونتش در قم، به قمی نیز شهرت داشت و در شعر به طاهری تخلص می کرد. محمدباقر مجلسی و شیخ حرّ عاملی از او روایت نقل می کردند. محمدطاهر فقهی متعصب بود که با اهل تصوف و فیلسوفان به شدت مخالفت می کرد. آثار ذیل از او است: نور الایمان فی فضائل القرآن، تحفه الاخبار فی شرح قصیده مونس الاخبار، حق الیقین فی اصول الدین، حکمه العارفین فی رد شبهه المخالفین در رد آراء فلاسفه و عرفا، بهجة الدارین فی مسائل الحکمتین، شرح تهذیب الحدیث، کتاب الاربعین فی فضائل امیرالمؤمنین و امامه الائمه الطاهرین، رساله جمعه، رساله فوائد دینیہ فی الرد علی الحکماء و الصوفیہ، کتاب حجه الاسلام فی اصول فقه و کلام، الفوائد الدینیہ فی الرد علی الحکماء الصوفیہ. (فهرست کتابخانه آستان قدس رضوی، ج ۴، ص ۵۵۰؛ بغدادی، ج ۲، ص ۳۰۱، الذریعه، ج ۳، ص ۴۱۷)

• **سیدمرتضی شیرازی**: او فقیه، قاضی، ادیب و شاعر قرن یازدهم قمری است. سیدمرتضی در زمان میرزا معین الدوله محمد، قاضی القضاات بود وی مجالس گفت و گویی با اهل دل بر مزار شاه شجاع داشت. سیدمرتضی در اشعارش به رضی متخلص بود. این بیت از او است:
آن غلط فهم این گمان دارد که از من برده دل
من فراغت دارم و او ناز ضایع می کند
(دهخدا، لغت نامه)

• **ملا صدرا شیرازی**، صدرالدین محمد، پسر ابراهیم قوامی شیرازی معروف به ملا صدرا یا صدرالمتألهین (۹۷۹ یا ۹۸۰ ق - ۱۰۵۰ ق): وی بزرگترین فیلسوف عصر صفوی در قرن یازدهم بود. ملا صدرا در حکمت، عرفان و فلسفه، و علوم الهی و معارف حقیقی بی همتا بود. او افزون بر تسلط فوق العاده ای که در عربی و فارسی برای تبیین و تفهیم مطالب حکمی و فلسفی به نثر داشت، گاهی مقاصد خویش را به نظم نیز بیان می کرد.
ملا صدرا با در هم آمیختن فلسفه مشا و اشراق و چاشنی ذوق و عرفان، فلسفه خاصی رای ریخت. او در شیراز زاده شد و در همان شهر، مقدمات علوم را فرا گرفت و برای ادامه تحصیلات به اصفهان رفت و از محضر استادانی چون شیخ بهاءالدین عاملی، سیدمحمدباقر معروف به میرداماد، و میرابوالقاسم فندرسکی استرآبادی بهره برد. ملا صدرا در خدمت میرداماد به حقایق مجهول هستی دست یافت و به یاری استعداد ذاتی و نبوغ فکری اش به قلّه رفیع شهرت و افتخار رسید. او به فلسفه مشائی و رواقی حمله کرد و فلسفه اشراق را به آسمان رفعت، و نهایت اوج معرفت رسانید.

را با قرائت‌های مختلف از حفظ می‌خواند. وی همچنین حافظ الفیة ابن مالک، شاطبیة، رجیبة و بعضی از کتاب‌های فقهی دیگر بود. ابوالسعود از محضر استادانی چون محمدتقی کازرونی، حسین سمرقندی، احمدبن منصور و عبدالرحمان خیاری کسب فیض کرد. یگانه اثر او التذکره است که علی‌بن عزالدین حنبلی، تقریظی منظوم بر آن گفته است. (دهخدا، لغت‌نامه)

میرزا ابراهیم قوامی شیرازی: او عالم، متکلم، جلیل، و جامع بیش‌تر علوم به ویژه در عقلیات و ریاضیات، و فرزند صدرالمتألهین بود. میرزا ابراهیم، شاگردانی چون سید نعمت‌الله جزایری داشت. او در سال ۱۰۷۰ قمری و در زمان سلطنت شاه عباس دوم چشم از جهان فرو بست و در شیراز به خاک سپرده شد. آثار او عبارتند از: حاشیه بر حاشیه خفزی بر شرح تجرید، تفسیر آیه الکرسی، حاشیه بر قسمتی از شرح لمعه، حاشیه بر اثبات واجب علامه دوانی، حاشیه بر قسمت الاهیات شفای ابن سینا، تفسیر عروه الوثقی. (محمدعلی، ص ۲۸)

عبدالوهاب بن عبدالرحمان شیرازی: عبدالوهاب بن عبدالرحمان بن محمدحسین بن نظرعلی بن مرتضی قلی شیرازی: وی اهل شیراز بود؛ ولی در هندوستان سکونت داشت. عبدالوهاب حنفی مذهب بود؛ اما به تشویق عبدالعلی شیرازی و طی مناظره‌ای که با وی در مسأله امامت داشت، به تشیع گرایید. (فهرست کتابخانه قدس رضوی، شماره ۲۹۳)

محمدطاهر بن محمدحسین شیرازی: محمدطاهر بن محمدحسین شیرازی نجفی قمی (د ۱۰۹۸ق): او یکی از فقیهان اخباری مشرب و متعصب در برابر صوفیه و فلاسفه بود و در قم به رحمت ایزدی پیوست و در بقعه شیخان این شهر مدفون شد. تألیفات ذیل از او است:

کتاب حق‌الیقین فی اصول الدین که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ارض اقدس رضوی موجود است، حکمة العارفین در رد آرای فلاسفه و متصوفین که در یک مقدمه و ۱۹ فصل و یک خاتمه نوشته شده است. (محمدتقی میر، ج ۲، ص ۸۰۱)

خواجه محمود دهدار خفزی: ابو محمد محمود بن دهدار خفزی (۹۴۷ق - ۱۰۱۶ق): وی عالم، ریاضی‌دان، شاعر و متخلص به عیانی بود. تحصیلات مقدماتی را در شیراز فرا گرفت و برای تکمیل تحصیلاتش عازم هندوستان شد و نزد شاه

صدرالمتألهین به سبب عقاید وحدت وجود و اتحاد عاقل و معقول، به شدت مورد حمله عالمان و فقیهان قرار گرفت، به طوری که از آسیب اعتراض‌ها و تکفیرهای ظاهرینان بر کنار نماند. سال‌ها در قم (دهکده کهک) پنهان بود. وی در آن جا به ریاضت و مکاشفه گذرانید و پس از ده سال تبعید، در مدرسه الله وردیخان شیراز به تعلیم حکمت پرداخت و تا پایان عمر خویش هفت بار پیاده به سفر حج رفت و در راه بازگشت از واپسین سفر، در بصره زندگی را بدرود گفت. (ذبیح‌الله صفا، ج ۴، ص ۱۵۰) شاگردان ملا صدرا، ملا محسن فیض کاشانی، و ملا عبدالرزاق لاهیجی هستند. آثار مکتوب وی در حکمت و بعضی از رشته‌های علوم شرعی متعدد، و شمار آن‌ها بیش از پنجاه کتاب و رساله است که به جز رساله سه اصل، همه آن‌ها به عربی هستند. فهرست آثار ملا صدرا چنین است: اتحاد العاقل و المعقول، انصاف الماهیه بالوجود، اسرار الآیات و انوار البینات که در تهران چاپ شده است، اسفار الاربعه و الحکمة المتعالیه، اکسیر العارفین فی معرفه طریق الحق و الیقین، الامامة، بدء وجود الانسان، التصور و التصدیق، تفسیر آیه الکرسی، تفسیر آیه النور، تفسیر آیه و تری الجبال جامدة، تعلیقات بر شرح حکمة الاشراق سهروردی، تعلیقات بر الاهیات شفای ابن سینا، رساله در حدوث عالم، رساله در حشر، الحکمة العرشیه، رساله خلق الاعمال، دیباجه عرش التقدیس میرباقر داماد، دیوان شعر، سریان نور وجود حق، رساله سه اصل، شرح اصول کافی، شرح هدایة الاثریة، کتاب الشواهد الربویة فی المناهج السلوکیة، القضاء و القدر، کسر الاصنام الجاهلیة، المبدأ و المعاد، المشاعر، متشابه القرآن، المسائل القدسیة - مفاتیح الغیب - که با شرح اصول کافی در یک جا چاپ شده است. بر آثار ملا صدرا به سبب اهمیت وافر و رواج شدید آن‌ها در حوزه‌های فلسفی و میان حکمت‌شناسان سه قرن اخیر، شرح‌ها و حاشیه‌هایی نوشته شده است. (رفیع، ص ۷۶۶).

شرح‌هایی که بر کتاب اسفار ملا صدرا نوشته شده متعدد است؛ برای مثال از حکمت‌شناسان متأخر حاجی ملا هادی سبزواری، میرزای جلوه، ملا محمد اسمعیل بن محمد سمیع اصفهانی، میرزا محمود قمی و سید محمد مشکات بیرجندی حاشیه‌هایی بر آن نوشته‌اند. (ذبیح‌الله صفا، ج ۴، ص ۱۵۰)

ابوالسعود کازرونی: ابوالسعود بن یحیی بن احمد کازرونی (۹۸۰ق - ۱۰۵۸ق): او از علمای شافعی مذهب بود که در مدینه به دنیا آمد. ابوالسعود، حافظه‌ای بسیار قوی داشت؛ چنان که قرآن

فتح الله شیرازی به کسب علوم گوناگون پرداخت. او در علوم غریبه و دانش حروف، تبحر خاص داشت.

ابو محمد در ۶۹ سالگی از دنیا رفت و در این باره در کتاب سجندل خود که به مثنوی سروده شده، آورده است:

سال عمرم به صد و ده چو رسید

فکرتم راز این پرده درید

بیش تر تألیفات او در زمینه جفر و علوم غریبه و دانش حروف است.

سجندل الاسماء، رساله مختصری بر شعر که حدود ۱۰۷ بیت دارد و به گفته خود مؤلف، در این ابیات اسم اعظم را یافته و بارمز معرفی کرده است، جامع الفوائد در علم حروف، جواهر الاسرار در علم جفر، زبده الارواح، مفاتیح المغالیک در خواص اعداد و جفر و طلسمات، رساله فی الحروف، حل الرموز فی سر الکتوز، کتاب دستور، رساله ای در توحید، جفر الجامع، غایه الامکان، مفتاح الاستخراج، مقصد الاقصی، رساله ای در جفر، کتاب در یتیم که در بیان نسبت انسان به عالم است، شرح بر گلشن راز شیخ نجم الدین محمود شبستری، ذخائر الاسماء. (اشراق، ص ۳۳۶ و ۳۳۷)

محمد دهدار خضری، محمد بن خواجه محمود دهداری خضری: وی مفسر، منجم، آشنا به علوم خفیه و حروف و اعداد، مطلع در دانش های اسلامی، شاعر و متخصص در حکمت، فلسفه و تصوف بود.

او فرزند محمود عیانی بود و در اشعارش به فانی تخلص می کرد. در منابع، سال وفاتش ذکر نشده؛ اما آن چه مسلم است، در سال ۱۰۸۲ قمری زنده بوده است.

عیانی در شیراز از دنیا رفت و در جوار تربت خواجه حافظ به خاک سپرده شد. آثار او عبارتند از: تفسیر سورة نور، تفسیر سورة الم نشرح، تفسیر آیه فلا اقسام بمواقع النجوم، رساله الف انسانیت در عرفان، وجدانیات و ذوقیات، اشراق الیقین، عشره کامله یا ملکات انسانی، ذوقیات عقلی و معقولات ذوقی، الکواکب الثواقب در بیان مسائل حکمی، رساله اثنا عشریه یا خطبه فی مدح الائمه و القابهم، منظومه فی التحقيق، معرفت الامام، اصطلاحات صوفیان، تحقیق ذکر الله، معنی الوجود، نبوت، قصیده میمیه، ترجمه رساله اقرب الطرق الی الله، رساله در اخلاق، رساله فضیلت انسان، شرح المناقب یا شرح الصراه، رساله ذوقیه، توحید برهانی، جبر و قدر و اختیار، مرآة الحق، رساله در توحید، خلاصه الاذکار، خلاصه الترجمان فی تأویل خطبة البیان، در یتیم در بیان نسبت انسان به عالم و خویششن شناسی. (هدایت، ص ۲۲۸-۲۳۰)

محمد هادی شیرازی، محمد هادی بن صالح شیرازی: او از دانشمندان قرن دوازدهم قمری و معاصر شاه سلطان حسین صفوی بود. یگانه تألیف او کتابی به نام چشمه زندگی است که در آن ادعیه، ادویه، اطعمه و اشربه ای را که سبب طول عمر می شود، از قول اطبا و احادیث اهل بیت علیهم السلام آورده است. (انوار، ج ۵، ص ۶۱۸).

مولانا محمد مسیح فدشکویی، میرزا محمد مسیح: او فرزند اسماعیل فدشکویی فسائی متخلص به معنی و معروف به آخوند فدشکویی و میرزا مسیحا، از عالمان، فقیهان و شاعران قرن دوازدهم قمری بود.

وی در حدود سال ۱۰۳۷ قمری در فسای فدشکویه به دنیا آمد و در عتفوان جوانی راهی شیراز شد و از محضر شاه ابوتراب نسابه و دیگر استادان شیرازی به کسب دانش های اسلامی پرداخت؛ سپس به

اصفهان رفت و در سلک شاگردان آقا حسین بن جمال الدین محمد مجتهد امامی معروف به محقق خوانساری (د ۱۰۹۸ق) در آمد و از محضر او استفاده‌ها برد تا خود به درجه عالی اجتهاد رسید.

آخوند فدشکویی مدت‌ها در اصفهان ماند و در دربار شاهان صفوی مورد اعتماد قرار گرفت. خطبه‌های جلوس شاه سلیمان و شاه سلطان حسین صفوی به انشا و قلم او بوده است. همچنین نامه‌هایی از طرف دربار به شرفای مکه و والی یمن نوشته که نمونه‌هایی از فصاحت و بلاغت نوشته‌های وی در نشر عربی است. از منشآت نفیس فارسی او، دیباچه‌ای است که بر کتاب مصائب المواصل و بر رساله قصر و اتمام خود نوشته است. وی سال‌ها با مقام شیخ الاسلامی در شیراز می‌زیست. نمونه‌ای از اشعار او:

خون به قدر چهره رنگین کردنی در دل نماند

اینقدر هم نیست رنگ از چرخ زنگاری مرا

تألیفات او عبارتند از: حواشی بر حواشی خفزی بر شرح تجرید، مصائب و المواصل، رساله قصر و اتمام، مکاتیب دیوان اشعار فارسی و عربی. (محمدتقی میر، ج ۲، ص ۸۳۲)

میرزا کمال الدین، محمد بن معین الدین فدشکویی فسایی؛ وی

از دانشمندان و شاعران قرن دوازدهم قمری و از شاگردان فاضل آخوند فدشکویی بود. شیخ محمدعلی حزین از شاگردان او است. (آدمیت، ج ۴، ص ۲۵۱) نمونه‌ای از اشعار او چنین است:

بکش، بسوز که عاشق شدن جزاش این است

کسی که دل به تو ظالم دهد سزاش این است

از جمله آثار او، حاشیه بر معالم الاصول، رساله حل شبهات

کاتبی قرآینی، شواهد، شرح بر شافیه، و شرح بر قصیده دعل

خرزاعی است. (میرزا محمدعلی، ص ۲۲۰)

محمد مؤمن جزایری شیرازی، مولانا محمد مؤمن بن حاج

محمد قاسم بن حاج محمد ناصر بن حاج محمد جزایری شیرازی (د ۱۱۱۸ق)؛ وی در سال ۱۰۷۴ قمری در شیراز متولد شد و پس از کسب علوم گوناگون از محضر استادان به هندوستان سفر کرد.

او صرف و نحو و معانی بیان، حدیث، تفسیر و فقه و اصول را

نزد سید محمد قاسم بن سید خیر الله حسنی حسینی، شیخ علی بن

محمد تمامی، شیخ صالح بحرانی و امیر زین العابدین جابری

انصاری آموخت. حکمت الاهی و علوم طبیعی و ریاضی و

منطق را نیز از محضر مولانا شیخ الزمان بن محمد اسماعیل

فسوی و هیأت و موسیقی را از مولانا شاه محمد بن محمد اصطهباناتی و رمل را از مولانا لطف‌افرا گرفت. دیگر استادانش نصیر الدین محمد بیضاوی و مولانا حسین مازندرانی و معلم طبش حکیم محمد هادی بودند. تألیفات ذیل از او است:

بیان الآداب، بقرة العین، تحفة الاخوان، تحفة الغریب، نخبة

الطیب، تمیمة الفؤاد من الم العباد، تحفة الاخوان فی تحقیق

الادیان، تحفة الاحباء، ثمر الفؤاد، ثمره الحیات و ذخیره الممات،

جامع المسائل النحویة فی شرح صمدیه، خزانه الخیال، الدر

المنثور، رساله جنات عدن، زینه المجالس، طرب المجالس،

طیف الخیال فی مناظره العلم و المال، مجالس الاخیار، ماده

الحیوة، مدینه العلم، مصباح المبتدین، مشکوة العقول، منیه الفؤاد،

مشرق السعدین، وسیلة الغریب، درر الحکم، مقامات العارفین

فی شرح منازل السائرین. (آدمیت، ج ۴، ص ۵۶۹-۵۷۲)

میرزا نصیر جهرمی شیرازی (د ۱۱۹۱ق)؛ او عالم، طبیب، شاعر و

متبحر در اقسام حکمت ریاضی، هیأت و هندسه، و پدرش اهل

جهرم و مادرش از نوادگان میرزا سیدعلی حسینی اصفهانی بود.

میرزا نصیر در جهرم به دنیا آمد و در شیراز و اصفهان به تحصیل

مشغول شد و مسجد وکیل شیراز را طراحی و جهت قبله آن

را تعیین کرد.

میرزا نصیر در شیراز چشم از جهان فرو بست؛ اما در نجف

اشرف به خاک سپرده شد. (فرصت الدوله شیرازی، ص ۱۰۵)

چند بیت از اشعار او:

شبی با نوجوانی گفت پیری

کهن دردی کشی صافی ضمیری

چو خم صاحب‌دلی روشن روانی

درین دیر کهن پیر مغانی

که باد نوبهار از ابر آزار

شنیدم خیمه زد بر طرف گلزار...

آثار او عبارتند از: جام گیتی نما، مرآة الحقیقة در حکمت الاهی،

حل التقویم در نجوم، اساس الصحّة در طب، شرح مشکلات

قانون شیخ رئیس بوعلی، رساله‌ای در موسیقی و نسبت آن با

پزشکی، شفا الاسقام در طب، دیوان اشعار، مثنوی بهاریه پیر و

جوان.

قرن ۱۱۳ فاجاریه

سید جعفر دارابی، سید جعفر بن ابی اسحاق موسوی علوی

دارابی (۱۱۸۹ - ۱۲۶۷ق)؛ او ادیب، محدث، مفسر، عارف، نحوی

و مشهور به کشفی است که در نظم و نثر نیز استاد بود. سیدجعفر در داراب به دنیا آمد و مقدمات علوم را در همان جا خواند و برای تکمیل تحصیلاتش به نجف رفت. او در علم تفسیر یگانه بود و در علوم دیگر نیز از اجلة عالمان شمرده می‌شد. تألیفات ذیل از او است: منظومه در منطق، منظومه در کلام، منظومه در نحو، رساله برق و شرق یا رساله مشرق و مغرب، البلاد الامین در اصول عقاید، تحفة الملوک فی السیر و السلوک در بیان عقل و جهل و تعدیل بین آنها، میزان الملوک، منظومه در اخلاق، رساله اجابة المضطربین فی اصول الدین و بعض فروعه. (دهخدا)

• **میرزا صالح عرب**، میرزا صالح عرب بن حسن بن یوسف موسوی خاموری معروف به داماد، عالم، فاضل و فقیه محقق (۱۲۲۰ - ۱۲۶۶ ق): وی در کر بلا به دنیا آمد و نزد پدرش میرزا سیدحسن کسب علم کرد و همچنین از دایی خود، علامه سیدمهدی طباطبایی فقه و اصول را تا درجه اجتهاد آموخت، سپس به تهران آمد و به تدریس علوم اسلامی مشغول شد. وی در تهران درگذشت؛ اما پیکرش را به عتبات عالیات منتقل کردند و در همان جا به خاک سپردند. از جمله تألیفات او عبارتند از: زهرا ریاض، کتاب مهذب در علم اصول. (دهخدا، لغت نامه)

• **ملا علی محمد سروستانی** (۱۱۸۵ - ۱۲۶۰ ق): او فاضل در حکمت طبیعی و الاهی، و کلام و فقه بود. ملا علی در سروستان به دنیا آمد و همان جا نیز درگذشت. پدرش حاج ملا طهماسب بن ملا خلف زیدونی کوه گیلویه‌ای در زهد و تقوا مشهور بود و مروج دین اسلام در سروستان به شمار می‌رفت. فرزندان و نوادگان ملا علی همه در علوم عصر خویش مشهور بودند. (فسائی، بلوک سروستان)

• **ابوالحسن بحرانی**، ابوالحسن بن محمد بحرانی الاصل (۱۱۲۶ ق): او مفسر، فقیه، ادیب، شاعر و متخصص در پاره‌ای از علوم عصر خویش و در شیراز ساکن بود و در همان جا نیز از دنیا رفت. یگانه اثر او در تفسیر به نام تفسیر کبیر موجود است. (کحاله، ج ۳، ص ۲۷۷)

• **رضی الدین شیرازی**، رضی الدین بن محمد حسینی شیرازی (۱۱۱۲ ق): او محدث و مفسر، و در اصفهان به تدریس مشغول بود. تفسیر کبیر از تألیفات او به شمار می‌رود. (کحاله، ج ۴، ص ۱۶۷)

• **محمدباقر موسوی** (۱۲۴۰ ق): او از عالمان قرن سیزدهم است. پدرش سیدمحمدباقر، از سادات هاشمی میدانشاهی شیراز بود. محمدباقر در دانش و تقوا قابلیت ستایش داشت و صاحب کتابخانه بزرگی بود. وی پس از وفات در شیراز، در حافظیه به خاک سپرده شد. آثار او عبارتند از: بحر الجواهر در اصول خمسة علم کلام، شرح صحیفة سجادیة، انوار الحقایق، مقاصد الصالحین، انوار القلوب. (قمی، ج ۲، ص ۴۲۵)

• **حاج میرزا ابراهیم مجتهد**، حاجی میرزا ابراهیم، فرزند میرزا محمدحسین حسینی، مشهور به میرزاجانی (۱۱۷۳ - ۱۲۱۱ ق): او فرزند میرزا مجدالدین محمد فرزند میرسیدعلیخان مدنی دشتکی، دانشمند معروف بود و علوم ادبی را در شیراز آموخت؛ سپس به ریاضیات و حکمت الاهی پرداخت. در سال ۱۲۱۱ قمری برای ادامه تحصیلات به عراق رفت و در محضر آقا میرسیدعلی طباطبایی، صاحب ریاض، به تحصیل فقه، اصول و دیگر علوم دینی پرداخت و به درجه اجتهاد رسید. در سال

۱۲۲۳ قمری به مکه معظمه مشرف شد و آن گاه به شیراز بازگشت. حاجی، مردی وارسته، زاهد و پرهیزگار بود. او بیش تر عمرش را در شیراز گذرانید و در همین شهر درگذشت. آثارش عبارتند از: بحر الحقایق در فقه، حاشیه بر معالم الاصول، حاشیه بر شرح لمعه. (محمدتقی میر، ج ۲، ص ۸۸۱)

حاج محمد جعفر آباده ای، حاج محمد جعفر بن محمد صافی آباده ای؛ وی از مجتهدان قرن سیزدهم قمری است که در بیش تر علوم صاحب نظر بود و عالمان دیگر، مقام او را بالا می دانستند؛ چنان که از مجتهدان برجسته طریقه جعفریه و مروج دین اسلام شمرده می شد. وی در علو درجه فقاہت و مقام زهد و عبادت و همچنین ادبیات و علم رجال بود.

حاجی محمد، دو فرزند به نام های آقا عبدالجواد و آقا عطا الله داشت که هر دو دانشمند و متقی بودند. او در ۱۹ رمضان سال ۱۲۸۰ قمری در اصفهان وفات یافت و در تخت پولاد به خاک سپرده شد. (محمدتقی میر، ج ۲، ص ۸۸۳) تألیفات ذیل از او است:

تعلیقه بر تلخیص الاقوال، شرح بر تجرید الکلام خواجه نصیر الدین طوسی، شرح بر دروس فقه جعفری مراباد اصول، نقود المسائل الجعفریه در فقه استدلالی، وجیزه در تلخیص کتاب تحفة الابرار، رساله حمامیه، رساله سؤال و جواب و رساله عملیه.

حکیم عباس دارابی، میرزا عباس شریف دارابی (د ۱۳۰۰ یا ۱۳۰۱ق)؛ او حکیم، فیلسوف، عارف و فرزند میرزا بابا بود. تحصیلات مقدّماتی را در داراب نزد محمد نصیر آغاز کرد و برای تکمیل تحصیلات به شیراز رفت. پس از ناموفق بودن سفرش به عتبات عالیات برای تحصیل فقه و اصول و شرعیات (در راه گرفتار راهزنان شد) به شیراز بازگشت، و برای کسب علوم معقول به سبزواری نزد فیلسوف گرانقدر حاج ملا هادی سبزواری رفت و پس از اتمام دوره فراگیری اش به شیراز بازگشت و به تدریس علوم معقول و حکمت اسلامی پرداخت و در عرفان، از محضر عارف آن زمان میرزا ابوالقاسم سکوت کسب فیض کرد. معروف ترین شاگردانش عبارتند از: ملا عبدالله زرقانی، میرزا محمد صادق سروستانی، شیخ محمد کاظم فیروز آبادی، سید آقا فیروز آبادی، ملا احمد دارابی، شیخ محمود - پیشنماز مسجد گنج شیراز - فرصت (شاعر)، سید علی کازرونی، شیخ احمد شیرازی و سید صدرا کوه پایه ای.

حکیم دارابی ازدواج نکرد تا این که در حدود ۷۵ سالگی در شیراز از دنیا رفت و در حافظیه به خاک سپرده شد. به علت این که کتابخانه شخصی اش از بین رفته، حواشی و شروح حکمی و فلسفی وی نیز در دست نیست و فقط کتابی به نام تحفة المراد از او باقی مانده که شرح حکیمانۀ حکیم از قصیده میرفندرسکی است. (محمدتقی میر، ج ۲، ص ۸۸۷)

میرزای شیرازی، ابومحمد حاج میرزا محمد حسن بن میرزا سید محمود بن میرزا اسماعیل بن فتح الله بن سیدعابد لطف الله بن مؤمن شیرازی (۱۲۳۰ - ۱۳۱۲ق)؛ او عالم، فقیه، مجتهد و احیائنده مذهب جعفری در قرن سیزدهم قمری است و در شیراز به دنیا آمد. از همان دوران کودکی، نشانه های هوش و ذکاوت در وی دیده می شد؛ به طوری که در چهار سالگی قادر به خواندن بود. میرزا در ۱۸ سالگی در فقه و اصول تبخر کافی یافت؛ سپس برای ادامه تحصیل به اصفهان رفت و از محضر استادانی چون حاجی شیخ ابراهیم کلباسی، شیخ محمدتقی، سید محمد حسین خاتون آبادی - امام جمعه اصفهان - و

سید حسن بیدآبادی (مدرس) کسب فیض کرد تا به درجه اجتهاد رسید. پس از آن، به سال ۱۲۵۹ قمری در عراق از محضر عالمانی چون شیخ محمد حسن، شیخ حسن آل کاشف الغطا و شیخ مرتضی انصاری بهره برد. میرزا در حالی که اعلم و ارجح مجتهدان عصر شناخته می شد و مرجع شیعیان جهان بود، عازم سامره شد و آن جا را مرکز علم و محل تجمع شیعیان جهان کرد.

تحریم تنباکو به وسیله میرزا در زمان ناصرالدین شاه انجام گرفت. او در سال ۱۳۱۲ در سامره درگذشت و در جوار تربت حضرت علی به خاک سپرده شد. (میرزا حسن، شاگردان بسیاری داشت که اغلب آن ها از عالمان بزرگ شدند. آنان عبارتند از: شیخ علی مقدس رشتی، سید ابراهیم دامغانی، سید محمد کاظم یزدی، حاج محمد رضا همدانی، آخوند ملا علی دماوندی و ...)

برخی از آثار او عبارتند از: حاشیه بر آداب التجاره آقا محمدباقر بهبهانی، حاشیه بر نجات العباد شیخ محمد حسن، رساله عملیه، رساله فی المشتق، صراط النجاة. (آدمیت، ج ۴، ص ۳۲۳-۳۲۵)

شیخ مفید شیرازی، شیخ مفید بن محمد بن محمد کاظم بن شیخ عبدالنبی مجتهد بن محمد مفید بن حسین شیرازی، از علمای مشهور فارس (۱۲۵۱ - ۱۳۲۵ق)؛ او متخلص به داور بود و در شیراز به دنیا آمد و در همان شهر به تحصیل و تکمیل علوم

معقول و منقول و ریاضی پرداخت.

شیخ مفید عالمان، عارفان و مشایخ بسیاری را ملاقات کرد و چهل اربعین به ریاضت نشست. وی جامع کمالات صوری و معنوی، و دارای مقامات علمیه و عملیه، واقف اسرار و کاشف استار، دانای رموز و بینای کنوز، کاملی فیاض و زاهدی مرتاض بود. (گلچین معانی، ج ۲)

شیخ مفید به فارسی و عربی نیز شعر می سرود. از جمله شاگردان او می توان به فرصت الدوله اشاره کرد که هم فیلسوف و هم شاعر و مورخ بود. شیخ در شیراز در گذشت و در قبرستان دارالسلام به خاک سپرده شد. آثار او بدین شرح است:

اساس الکمال فی المتفرعات، اصلاح الالفاظ فی تبیین لفظ العربیه و الفارسیه، جمع المسائل در فقه، حاشیه بر تفسیر صافی، حاشیه بر نهج المسترشدين علامه حلی، شرح حدیث کمیل بن زیاد، شرح قصیده امرء القیس و ترجمه آن به فارسی، ضیاء القلوب فی المصائب، عشرة كاملة در شرح ده حدیث، کتاب الاربعین در شرح چهل حدیث، گنج مراد و خزینه رشاد در اصول، کنز الجواهر در اخبار ابي ذر، مرآة الفصاحه فی تراجم شعراء شیراز، منظومه در احکام العهود الشرعیه، منظومه در علم کلام، شرح منظومه الکلام، منظومه در فقه، نور الیقین فی شرح الاربعین، شرحی بر حدیث ام ذرع (زنی از اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله)، تفسیر آیاتی که در شرح قطر الندی به آن استشهد شده است، شرح زیارت عاشورا، سید الکتب، جمع المسائل و سفائن. (فارسی، ص ۴۶۱)

• **حاج شیخ ابوالحسن هنر جهرمی** (۱۱۷۰ - ۱۲۶۷ق): او عالم، فاضل و حکیم بود و در جهرم متولد شد و برای تحصیل به شیراز رفت. شیخ ابوالحسن، علامه زمان و جامع معقول و منقول و شاعر نیز به شمار می رفت. او در شعر طبعی روان داشت، و قصیده‌ای در منقبت پیامبر صلی الله علیه و آله با مطلع ذیل سرود:

چو بود از خاک پای خضر دوشم کحل بینایی

خرد می خواست از من توتیای چشم دانایی...

شیخ ابوالحسن پس از تکمیل معلومات در شیراز، مشغول طبابت و تدریس علوم در آن شهر و جهرم شد. او معاصر فتحعلیشاه قاجار بود. (فسائی، ص ۱۸۸ و ۱۸۹)

• **حاجی میرزا ابوالحسن اصطهباناتی** (۱۲۶۷ - ۱۳۳۸ق): میرزا ابوالحسن، عالم، حکیم و فاضل در ادب و ریاضی و معقول و منقول و ملقب به محقق العلما بود. پدرش، حاجی اسماعیل، تاجر لاری و مادرش دختر سیدجعفر کشفی است.

میرزا در یزد، مشهد و اصفهان از محضر استادانی چون محمدجعفر کرمانی و میرزا محمدرضا یزدی استفاده کرد تا در علوم بسیاری از جمله ریاضی به درجه استادی رسید. او در سال ۱۳۳۸ قمری در اصطهبانات به رحمت ایزدی پیوست. تألیفاتش عبارتند از:

حاشیه بر تحریر اقلیدس، کتاب الحصن الحصین در توحید، رساله‌ای در قبله، رساله در هیأت، کتاب سلسبیل در عرفان، شرح تشریح الافلاک شیخ بهایی، شرح دعای کمیل، کتاب لمعات النور در تفسیر آیه نور، کتاب مطلع الانوار در کلام. (حبیب آبادی، ص ۱۴۹۱-۱۵۰۲)

• **سلطان العلما بستکی**، حاج عبدالرحمان بن مولی یوسف خالدی شافعی بستکی (۱۲۹۳ - ۱۳۶۷ق): او عالم و مفتی فارس و وارد به فقه، اصول، تفسیر و حکمت الاهی و از قاضیان بنام اهل تسنن و ملقب به سلطان العلما بود. سلطان العلما در بستک فارس به دنیا آمد و پس از تحصیل مقدمات، برای

یادگیری فقه و اصول به حجاز نزد ابوبکر شطرافت؛ سپس در دانشگاه الازهر مصر از محضر شیخ شربینی بهره برد. در هندوستان به خدمت شیخ ابوالخیر دیوبند و مولوی احمد، حکیم و عارف مشهور آن زمان رسید و به مقامات عالی معنوی دست یافت.

سلطان‌العلماء به کشورهای بسیاری سفر کرد و در سال ۱۳۱۱ پس از مسافرت‌ها و سیاحت‌های طولانی، به بستک بازگشت و به تدریس مشغول شد. او در نهضت مشروطه، اهالی جنوب را بر ضد استبداد تشجیع و ترغیب می‌کرد. قاضی در ۶۷ سالگی در بندر لنگه چشم از جهان فرو بست و در همان شهر به خاک سپرده شد. (آدمیت، ج ۳، ص ۱۷۴)

آثار او عبارتند از: الفوائد الصمدیه در نحو، منظومه بدیعیه، منظومه رجبیه در میراث، سلطان الرسائل در توحید، شرح قطر در نحو، ظهور الحقایق در سیرت پیامبر صلی الله علیه و آله و کشف الحقایق.

میرزا آقا حکیم دارابی: او در حکمت الاهی و طبیعی استاد بود و از بزرگ‌ترین شاگردان فیلسوف و حکیم نامی، حاج ملا هادی سبزواری به شمار می‌رفت. میرزا آقا با آقا میرزا عباس حکیم دارابی (د ۱۳۰۰ ق) و سید عبدالغفور دارابی شیرازی در محضر حاجی سبزواری همدرس بود.

سید عبدالغفور پس از فراغت از تحصیل حکمت و نیل به درجات عالی در این رشته، به شیراز رفت و در حال جذب، خود را در آتش افکند و خودکشی کرد (محمدتقی میر، ج ۲، ص ۱۰۴۵)

حاج سید عبدالحسین لاری: آیت‌الله حاج سید عبدالحسین بن سید عبدالله بن سید عبدالرحیم مجتهد (۱۲۶۲ - ۱۳۴۲ ق)، او از علمای مشهور دوره مشروطیت، و معرف به لاری بود. وی اصلاً دزفولی شمرده می‌شد؛ اما در نجف اشرف به دنیا آمد و همان جا به تحصیل مشغول شد تا به درجه اجتهاد رسید. استادان او عبارتند از: میرزا محمدحسن مجدد شیرازی، شیخ محمدحسین کاظمی، شیخ لطف‌الله مازندرانی، شیخ محمد ابروانی و شیخ حسینعلی.

آیت‌الله لاری به دستور میرزای شیرازی و درخواست یکی از تاجران لار به ایران آمد و در لار سکنا گزید و به تدریس و تألیف مشغول شد. او در جنگ جهانی اول، در صف مجاهدان درآمد و با دوهزار تن از وطن خواهان به کمک مشروطه طلبان شیراز آمد؛

سپس به لار بازگشت و تبر پست چاپ کرد. سید در اواخر عمر از لار به جهرم رفت و در همین شهر وفات یافت. مزارش در جهرم به قبر آقا مشهور است. (اشراق، ص ۲۳۲-۲۳۵)

تألیفات او عبارتند از: آیات الطالین، اکسیر السعادة فی اسرار الشهاده، استجازه نامه، حاشیه بر کتاب فوائد انصاری، رساله در کیفیت و کمیت علم امام، حاشیه بر شرح کبیر، حاشیه بر قوانین، تعلیقه بر کتاب صیام از مدارک الاحکام، حواشی متعدد بر مجلدات بحار الانوار مجلسی، حاشیه بر کتاب رسائل الشیعه عاملی و مستدرکات آن. (آدمیت، ج ۳، ص ۵۸۲)

میرزا احمد اصطهباناتی: میرزا احمد بن میرزا ابوالحسن محقق العلمای اسماعیل (۱۲۹۱ - ۱۳۵۴ ق): او از عالمان بزرگ، و عارفان زمان خود بود. در اصطهبانات به دنیا آمد. او تحصیلات اولیه خود را نزد پدرش میرزا ابوالحسن محقق العلمای گذراند. او به شیخ‌المحققین معروف بود و از محضر استادانی چون حاج سیدعلی حکیم کازرونی، و مصاحبت با سید عبدالحسین مجتهد لاری بهره برد. در عرفان، از مریدان جلال‌الدین محمد شیرازی، معروف به مجدالاشرف از اقطاب سلسله ذهبیه بود. شیخ‌المحققین در چهارم شعبان در تهران درگذشت و در امامزاده عبدالله شهر ری به خاک سپرده شد.

تألیفات او عبارتند از: بیان الحق، در مهدویت شخصیه و شخصیت مهدویه، تنبیهات عشر، کشکول الابداء کشکول العرفاء

حاج سیدعلی کازرونی (۱۲۷۸ - ۱۳۲۳ ق): او از فقیهان، حکیمان و عارفان مشهور، فرزند حاج سیدعباس مجتهد طباطبایی کازرونی متخلص به رحمت بود و در سرودن اشعار فارسی و عربی تبحر داشت. حاج سیدعلی در کازرون به دنیا آمد و تحصیلات مقدماتی علوم و ادبیات، حکمت و فقه و اصول را نزد استادانی چون سیدمحمدعلی کازرونی، و حاج شیخ احمد شانه‌ساز گذراند؛ سپس راهی نجف شد. در آن جا دوازده سال، از محضر آخوند ملا محمدکاظم خراسانی بهره برد تا مجتهد جامع‌الشرایط زمان خود شد. او در سال ۱۳۱۹ قمری به شیراز آمد و به تدریس مشغول شد و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. کازرونی در شیراز درگذشت و در حافظیه به خاک سپرده شد. (الذریعه، ج ۹، ص ۷۲۳) از آثار او، دوره اصول، دو رساله در فواید مشروطه و دیوان اشعار فارسی و عربی است که در سال ۱۳۳۶ در شیراز چاپ شده است.

• **میرزا لطفعلی نصیری شیرازی** (۱۲۶۸ - ۱۳۵۰ق): میرزا لطفعلی، فرزند امین السقرا، ملقب به صدرالافاضل و متخصص به دانش بود و در شیراز به دنیا آمد. در پنج سالگی به تهران رفت و در آن جا ساکن شد. او پس از تحصیل مقدمات، به تکمیل علوم ادبی و عربی، منطق و ریاضیات و حکمت و الاهیات پرداخت و در علم طب تبخر داشت و قانون بوعلی را تدریس می کرد. میرزا لطفعلی در شعر و نوشتن انواع خطوط سبعه مهارت فراوان داشت. میرزا محمد منشی ساوجی، در شرح حال صدرالافاضل می گوید: بزرگان فن خط درباره او گفته اند:

اندر قلمت که بخش کوکب باشد

صد معجزه موجود و مرتب باشد

در پیش تو میر اگر برد دست به کلک

انصاف که از جهل مرکب باشد

خود صدر نیز در ضمن قصیده ای درباره نظم و خط خود چنین ادعا می کند:

به طبع جامه همی بردمی به چرخ فراز

ز خامه اختر آوردمی به نامه فرود

نه مثل این را چشم کمال هرگز دید

نه شبه آن را گوش هنر به عمر شنود

صدرالافاضل برای کسب فضایل دانش بیست سال رنج برد. او سرآمد اقران خویش بود. شهرتش به پایه ای رسید که مورد توجه ناصرالدین شاه قاجار قرار گرفت. او مدتی معلم احمد شاه و اسپین پادشاه قاجار بود.

از جمله آثار او عبارتند از: دیوان نظم و نثر فارسی و عربی، ۱۲۲ جلد کتاب، افزون بر آن ها حواشی بر کتاب های فقه و اصول و حکمت و کلام و منطق.

• **شیخ علی ابیوردی شیرازی** (۱۲۸۲ - ۱۳۵۷ق): او از طایفه ابیوردی بود و در قریه لاله گون در سرحد چهاردانگه به دنیا آمد و در علم فقه، اصول، منطق، کلام، تفسیر، حکمت، معانی، بیان و ریاضیات تبخر داشت. درجه اجتهاد خود را در عتبات از محضر آخوند ملا محمد کاظم خراسانی کسب کرد، و از جانب او برای ارشاد مردم، به دیار خود شیراز آمد.

استادان او، حاج شیخ عبدالجبار جهرمی، شیخ محمد حسین محلاتی، و آخوند ملا محمد کاظم خراسانی بوده اند.

از جمله آثار او به کتاب دزدبگیر، در رد فرقه بهائیه، ذخیره المعاد، فراند العلویه که حاشیه ای بر فراند الاصول شیخ مرتضی انصاری (به عربی) است، کنز النصایح یا گنج سعادت، و اشعار عربی می توان اشاره کرد. شیخ علی ابیوردی، در شیراز درگذشت و در بقعه علی بن حمزه به خاک سپرده شد.

• **حاج سید عبدالله بهبهانی** (۱۲۹۲ - ۱۳۷۰ق): سید عبدالله، فرزند ابوالقاسم بلادی بهبهانی بوشهری است که در بوشهر به دنیا آمد. برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و آن جا به درجه اجتهاد رسید. او متخصص در زبان و ادبیات عرب بود. پس از بازگشت، در بوشهر به تدریس و تألیف پرداخت و در همین شهر وفات یافت.

تالیفات او عبارتند از: اربعین (به عربی)، نصر الحديد فی معرفة المیه علی الطرز الجدید (به عربی)، بصر الحديد (در هیأت) ترجمه، پنجاه سؤال در مسائل شرعی، توضیح المأرب فی احکام اللحیه و

الشوارب، رحله الحرمین، رد و دسته (به عربی)، سحاب اللثالی فی المطالب الحوالی، ضیاء المستنصیین، محفظة الانوار، ترجمة كلمات قصار حضرت علی علیه السلام، مختصر جواب ابلاغیة مخبر السلطنة، مظهر الانوار فی احوال الائمة الاطهار، الوجوب فی تحجب النسوان، یا البرهان فی تحجب النسوان. تمام آثار او در بمبئی و تهران به چاپ رسیده است.

• **سید محمد عبدالهادی مجتهد شیرازی (۱۳۰۵ - ۱۳۸۲ق):**

سید محمد عبدالهادی، فرزند حاج میرزا اسماعیل برای ادامه تحصیلات به سامره رفت و از محضر استادانی چون آقا میرزا محمد تقی شیرازی و آقا میرزا علی آقا شیرازی استفاده برد. سید محمد عبدالهادی برای تکمیل تحصیلات خود به نجف اشرف رفت و نزد عالمانی چون آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، شیخ الشریعه اصفهانی، میرزا محمد باقر اصطهباناتی و حاج آقا رضا نیریزی به کسب علم پرداخت.

او در سامره شاگردان بسیاری را تربیت کرد، و پس از مرگ شریعت اصفهانی، مرجع تقلید جهان تشیع شد. او در کوفه درگذشت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. آثاری که به او نسبت داده‌اند چنین است: کتاب الاستصحاب، کتاب اجتماع امر و نهی، رساله و لباس مشکوک، کتاب طهارت، کتاب زکوة، کتاب صوم، کتاب حواله، حاشیه بر عروة الوثقی که به چاپ رسیده است. دارالسلام فی فروع السلام، رساله‌هایی در اصول، الرضاع، تقریر و تحریر میرزا محمد تقی تبریزی، حاشیه بر توضیح المسائل، مناسک، وسیلة النجاة.

• **حاج میرزا ابوالحسن اصطهباناتی (۱۲۵۵ - ۱۳۳۸ق):** میرزا

ابوالحسن، فرزند اسماعیل اصطهباناتی، ملقب به محقق العلما بود. او در علوم عقلی و نقلی و ریاضیات تبحر داشت و از عالمان زمان خود بود. از درس استادانی چون آقا محمد جعفر کرمانی (شاگرد شیخ انصاری) و میرزا محمد رضا یزدی (شاگرد صاحب جواهر) کسب فیض کرد.

تالیفات او عبارتند از: حاشیه بر تحریر اقلیدس، کتاب الحصن الحصین در شرح البلد الامین مرحوم سید جعفر کشفی (جد مادری اش)، رساله‌ای در قبله، رساله‌ای در هیأت، کتاب سلسبیل در عرفان، شرح تشریح الافلاک شیخ بهایی، شرح دعای کمیل که از همه شروحو که تا کنون نوشته شده، بهتر است، کتاب لمعات النور (تفسیر آیه نور)، مطلع الانوار در علم کلام.

جهانگیر خان قشقایی (۱۲۴۳ - ۱۳۲۸ق): او، فرزند محمد علی

خان ایلخانی از بزرگ‌زادگان ایل قشقایی است. وی فقیه، فیلسوف و شاعر شیعی، و پدرش از خان‌های تیره دره شوری ایل قشقایی بود. تا چهل سالگی چون دیگر خان‌ها، اوقات خود را تفریح و تفریح و شکار گذرانید. (باستانی پاریزی، ص ۴۱۰) روزی گذرش به مدرسه چهارباغ افتاد و در ملاقات با درویشی، شوق تحصیل در دلش شعله کشید. او در علوم عقلی به جایی رسید که عالمان وقت به شاگردی اش مباحثات می‌کردند. وی متخصص در علوم فلسفه، فقه، و اخلاق بود، و شعر نیز می‌سرانید. شاگردان او، فاضل تونی، سید حسن مشکان طبسی، شیخ اسدالله ایزدگشسب، فرصت الدوله شیرازی، ضیاء الدین درّی، حاج آقا رحیم ارباب و جلال‌الدین همایی بودند. جهانگیر خان در اثر بیماری در اصفهان درگذشت و در تکیه ترک به خاک سپرده شد. آثاری که از او به جای مانده، شرحی بر نهج البلاغه است. همچنین این شعر را به او نسبت داده‌اند.

(صدوقی سها، ص ۸۶)

تا یاد چین زلف تو شد پای بست ما
رفت اختیار عقل و سلامت ز دست ما
از حرف نیستی چو کسی باخبر نشد
عشقت چگونه کرد حکایت ز هست ما
غمگین مشو گر از ستمش دل شکسته‌ای
کارزد به صد هزار درست این شکست ما
از دشمنان ملامت، و از دوستان جفا
بر دست سرنوشت ز روز الست ما
گشتم ز هجر غرقه دریای اشک خویش
تا ماهی وصال کی افتد به شست ما

• **علی شیرازی (۱۲۸۷ - ۱۳۵۵ق):** مرحوم علی مجتهد شیرازی،

فرزند میرزا محمد حسن مجدد از مجتهدان معاصر، و پسر میرزای شیرازی، مجتهد اعلم و مشهور قرن چهاردهم است. در پنج سالگی همراه با پدر بزرگوارش به سامره رفت و نزد میرزا محمد تقی شیرازی و محمد فشارکی علوم دینی خود را تکمیل کرد. در بیست سالگی به درجه اجتهاد رسید و اجتهادش از طرف آخوند ملا محمد کاظم مجتهد خراسانی تأیید شد. او مترجم جامع معقول و منقول بود و در حکمت الاهی و علم کلام و طب و تاریخ و فنون ادبیه تبحر داشت در سال ۱۳۱۷ به مشهد رفت و ایرانیان با احترام فراوانی از او پذیرایی کردند و مظفرالدین شاه قاجار در شهر ری به دیدن او رفت و وزیرایش

هدایایی به او تقدیم کردند؛ ولی نپذیرفت. کتاب بیع المبهم از تألیفات او است. مجتهد شیرازی در نجف اشرف درگذشت. (آدمیت، ج ۳، ص ۶۸۹)

• فهرست منابع

۱. آثار عجم، فرصت الدوله شیرازی، چاپ بمبئی، مطبع نادری، ۱۳۵۴ش.
۲. بزرگان جهرم، محمدکریم اشراق، چاپ بیروز، تهران، ۱۳۵۶ش.
۳. بزرگان نامی پارس، محمدتقی میر، انتشارات دانشگاه شیراز، ۱۳۶۸ش.
۴. تاریخ ادبیات ایران، ذبیح الله صفا، انتشارات ابن سینا، ۱۳۳۲ش.
۵. تاریخ حکما و عرفاء متأخرین صدرالمآلهین؛ منوچهر صدوقی سها، تهران، انجمن حکمت و فلسفه، ۱۳۵۹ش.
۶. تاریخ علوم و فلسفه تهرانی از جاماسب حکیم تا حکیم سیزواری، رفیع، تهران، نشر کومش ۱۳۷۲ش.
۷. تذکره علمای هند، رحمان علی صاحب، لکهنو، ۱۹۱۴م.
۸. تذکره القبور، سیدمصلح الدین مهدوی، اصفهان، دوم، ۱۳۴۸ش.
۹. حماسه کویر، باستانی پاریزی، امیرکبیر، ۱۳۵۷ش.
۱۰. دانشمندان و سخن سرایان فارس، محمدحسین رکن زاده آدمیت، تهران، ۱۳۳۷ش.
۱۱. دایره المعارف مصاحب.
۱۲. الذریعه الی تصانیف الشیعه، شیخ آقا بزرگ تهرانی، کتابخانه اسلامی.
۱۳. ریاض العارفین، هدایت، چاپ مهدیه، تهران، ۱۳۱۶ش.
۱۴. ریحانة الادب، محمدعلی مدرّس، چاپ تبریز.
۱۵. طرائق الحقایق، معصوم علیشاه نایب‌الصدر، تصحیح دکتر محجوب.
۱۶. فارسنامه ناصری، حاج میرزا حسن فسائی.
۱۷. فهرست آستان قدس رضوی، چاپ طوس، مشهد، ۱۳۲۵ش.
۱۸. فهرست نسخه‌های خطی فارسی کتابخانه ملی تهران، عبدالله انوار.
۱۹. کشف الظنون، حاجی خلیفه، مکتب الاسلامیه، سوم، ۱۳۷۸ق.
۲۰. لارستان کهن، احمد اقتداری، تهران، ۱۳۳۴ش.
۲۱. لغت‌نامه دهخدا، چاپ مجلس و دانشگاه تهران.
۲۲. معجم المؤلفین، کحاله.
۲۳. مکارم الآثار، معلم حبیب آبادی، نشر فرهنگ و هنر اصفهان، ۱۳۹۶ق.
۲۴. نجم السماء فی تراجم العلماء، میرزا محمدعلی، چاپ قم، ۱۳۹۴ق.
۲۵. هدیه العارفین، اسماعیل پاشا بغدادی، مکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۸۷ق.
۲۶. یادداشت‌های قزوینی، به همت ایرج افشار، چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۳۳ش.